

فروش اجباری روغن در سایه نظارت ضعیف

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی ریشه نابسامانی در بازار روغن را در نبود نظارت از مبدا می داند و معتقد است تنها راه مهار نوسات فعلی، واگذاری توزیع کالاهای وارداتی بازار ترجیحی به تشکل های صنفی و نظارت دقیق بر حلقه های ابتدایی زنجیره توزیع است.

در شرایطی که بازار کالاهای اساسی با نوسانات متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند، روغن نباتی به عنوان یکی از کالاهای مهم و پرمصرف خانوار، به یکی از چالش‌ترین بخش های بازار تبدیل شده است. این نوسانات، نه تنها به دلیل افزایش قیمت جهانی و مشکلات ارزی، بلکه بیشتر ناشی از پلاتکلیفی در نرخ‌گذاری داخلی، عدم تخصیص ارز به‌موقع و تحمیل شرایط غیرمنصفانه فروش است.

تعلل در نرخ‌گذاری

در حالی که قیمت جهانی روغن خام طی ماه‌های اخیر بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته، ستاد تنظیم بازار هنوز نرخ جدید مصرف‌کننده را به طور رسمی اعلام نکرده است. همین پلاتکلیفی، کارخانه‌ها را از عرضه منظم باداشته و باعث شده بازار با کاهش عرضه و شکل‌گیری تقاضای کاذب مواجه شود. بسیاری از تولیدکنندگان در انتظار تعیین نرخ نهایی هستند تا بتوانند بر اساس آن، تولید و فروش خود را تنظیم کنند.

تأخیر، ماهواره

یکی از اصلی‌ترین دلایل کاهش عرضه، تعلل در تخصیص ارز برای واردات روغن خام است. به گفته برخی فعالان صنعت روغن نباتی، برخی از کارخانه‌ها بیش از ۹ ماه است که مطالبات ارزی خود را دریافت نکرده‌اند و به دلیل نبود نقدینگی ارزی، قادر به ثبت سفارش و تأمین مواد اولیه نیستند. این موضوع نه تنها تولید را مختل کرده، بلکه باعث شده وابستگی ۹۰ درصدی کشور به واردات روغن خام، به یک گلگواه جدی در تأمین بازار تبدیل شود.

تحمیل کالاهای غیرمرتبط

در سایه همین کمبود و بی نظمی در بازار، برخی کارخانه‌ها و شرکت های پیش از فرصت سوءاستفاده کرده‌اند. گزارش های میدانی نشان می دهد که بسیاری از افراد در فروشگاه‌ها تنها در صورتی موفق به خرید روغن می‌شوند که محصولات دیگری همچون رب، ماکارونی، تن ماهی یا حتی محصولات شونده را نیز در کنار آن خریداری کنند. این مدل فروش اجباری قانونی نیست و به گفته حمیدرضا رستگار - رئیس اتاق اصناف تهران - در گفت وگو با ایسنا، هرگونه فروش اجباری یا فروش ترکیبی که اجبار در آن باشد، تخلف محسوب می شود. هیچ واحد صنفی یا فروشگاهی اجازه ندارد مشتری را مجبور به خرید چند کالای همراه کند. قیمت فروش باید دقیقاً مطابق با نرخ درج شده روی کالا باشد و تخلف در این زمینه، قابل پیگیری است. رستگار در خصوص سازوکارهای نظارتی نیز افزود، نظارت توسط بازرسان اتحادیه‌ها، اتاق‌های اصناف و سازمان های تعزیراتی انجام می شود. اگر شهروندان با مواردی از تخلف روبرو شدند، می توانند با شماره های ۱۲۴ یا ۱۳۵ تماس بگیرند یا شکایت خود را به صورت حضوری به واحد نظارت و بازرسی اتاق اصناف ارائه دهند.

رضانکتری - رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی - با اشاره به تداوم چالش ها در بازار روغن گفت: متأسفانه همچنان با همان مشکلات گذشته دست وپنجه نرم می‌کنیم. عرضه کالای تحمیلی، بدون فاکتور و بالاتر از قیمت مصرف‌کننده همچنان در بازار وجود دارد و این موضوع هنوز برطرف نشده است. وی افزود: پیشنهاد اتحادیه بنکداران این است که کالاهایی که با ارز ترجیحی وارد کشور می‌شوند، چه روغن باشد چه برنج، باید به قیمت مصوب به دست مصرف‌کننده نهایی برسند؛ در حالی که اکنون چنین اتفاقی نمی افتد. به عنوان مثال ،برنج وارداتی که باید باقیمت ۴۳ هزار و ۵۰۰ تومان وارد و حداکثر ۵۰ هزار تومان به دست مصرف‌کننده برسد، در بازار با نرخ های بالاتر عرضه می شود.

کنگری ادامه داد: در حال حاضر، برنج هندی در بنکداری ها با قیمت ۵۰ تا ۵۵ هزار تومان عرضه می شود و با احتساب حدود ۱۵ درصد افزایش، به قیمت های بالاتری به مصرف‌کننده نهایی می‌رسد، در حالی که باید با نرخ ۴۵ هزار تومان به دست مردم برسد. این اختلاف ۲۰ درصدی ناشی از عدم نظارت دقیق بر فرآیند توزیع است.

سه شنبه
۱۳۰۳ • ۰۳ • ۱۴۰۴
۵۷ ذی الحجه ۱۴۴۶ / ۰۳ ژوئن ۲۰۲۵

سال هشتم
شماره ۲۱۲۴

armanmeli.ir

«آرمان ملی» در گفت وگو با محمود خاقانی تحلیلگر اقتصادی

دلایل ایجاد ناترازی انرژی را بررسی می‌کند

نقش موثر کاسبان تحریم

در بحران انرژی



پشت پرده ناترازی انرژی از نگاه نماینده ادوار مجلس

ناترازی انرژی؛ محصول ساختاری از ناکارآمدی و بی اعتمادی

آرمان ملی – صدیقه بهژادپور: تشدید ناترازی انرژی کشور این روزها، نه تنها به یک چالش اقتصادی بلکه به بحران ملی بدل شده است؛ بحرانی که ریشه های آن را باید در ترکیبی از ناکارآمدی ساختاری، تصمیم‌گیری‌های سیاسی ناپایدار، و حذف تدریجی بخش خصوصی کارآمد و دلسوز، از بازی انرژی جست وجو کرد. تا جایی که باوجود دارا بودن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر انرژی جهان، ایران امروز با بحران‌هایی در حوزه تأمین برق، گاز و سوخت مواجه است که مستقیماً بر زندگی مردم، پایداری صنعت، و حتی امنیت کشور اثر گذاشته‌اند. برخی از کارشناسان معتقدند یکی از دلایل تشدید این بحران، آن است که نظام حکمرانی انرژی در سال‌های اخیر به درستی از ظرفیت‌های داخلی و توانمندی‌های بومی بهره نگرفته و به جای تقویت بازیگران خصوصی، آنها را با کنار گذاشته یا از کشور فراری داده است. ساختار پیر ایهام و ناسالم واگذاری پروژه‌ها، فقدان شفافیت در صدور مجوزها، و شکل‌گیری مافیاهای سوخت و نفت، نه تنها مانعی برای توسعه شده، بلکه انگیزه کارآفرینان و متخصصان برای ماندن و تلاش در این حوزه را از بین برده است. از سویی تحریم‌های اقتصادی هم پنهان‌ای

ایجاد ناترازی انرژی در کشور با وجود منابع غنی نفت و گاز

... یکی از معماهایی است که اظهارنظرهای بسیاری در این خصوص وجود دارد. این امر به ویژه درباره کمبود برق به دلیل نبود گاز برای نیروگاه و فقدان سرمایه‌گذاری خوب برای آن از دلایل اصلی ناترازی اعلام شده است که البته گمانه‌زنی‌های بسیاری در این خصوص شده است. ارزیابی و نظر شمار در این باره چیست؟

صنعت برق و نفت همواره دو ستون اساسی زیرساخت‌های اقتصادی در تاریخ کشور به شمار آمده‌اند. مرور سیر تحول این دو بخش، نشان می‌دهد که چگونه از حضور پررنگ بخش خصوصی در ابتدای راه، به تمرکز کامل دولتی و حاکمیتی رسیده‌ایم، در نگاهی به تاریخ گذشته و دهه‌های نخست قرن گذشته، می‌بینیم که تولید برق در ایران عمدتاً توسط بخش خصوصی انجام می‌شد. کارخانه‌هایی مانند «فروزان» و دیگر تأسیسات برق محلی، نقش فعالی در تأمین برق شهرها داشتند. این شرکت‌ها هر کدام به صورت مستقل عمل کرده و دولت در کار آنها دخالت چندانی نداشت؛ تنها از محل مالیات، درآمدی برای خود تعریف می‌کرد. اما با گسترش شهرنشینی، رشد جمعیت و نیاز روزافزون به انرژی، دولت به تدریج به این نتیجه رسید که باید ساختار یکپارچه‌ای برای مدیریت برق کشور ایجاد شود. در همین راستا، شرکت توانیر تأسیس شد تا از طریق تجمیع و مدیریت تولید، انتقال و توزیع برق، امنیت انرژی و رفاه عمومی را تأمین کند. البته ایران نیز مانند بسیاری از کشورها، هرگز تولید برق را به‌طور کامل به بخش خصوصی واگذار نکرد، چرا که آن را مرتبط با امنیت ملی، عدالت اجتماعی و زیرساخت توسعه می‌دانست. در نهایت امروز توانیر یکی از بزرگ‌ترین بازیگران دولتی در عرصه خدمات عمومی کشور محسوب می‌شود. در حوزه نفت و گاز هم، تأسیس شرکت ملی نفت ایران نقطه عطفی در ساماندن‌هی فعالیت‌های این صنعت بود. این شرکت، علاوه بر استخراج و تولید، توزیع و صادرات نفت را نیز بر عهده گرفت و به تدریج با نهاد‌هایی مانند لویک نیز همکاری نزدیکی پیدا کرد تا در تعیین قیمت جهانی نفت نقش داشته باشد. در ادامه طرح‌هایی برای ادغام وزارت نفت و وزارت نیرو به‌منظور یکپارچگی در سیاست‌گذاری انرژی کشور مطرح شد که این ایده‌ها عمدتاً با توجه‌هایی چون جلوگیری از موازی‌کاری، چابک‌سازی ساختار دولت و کاهش فساد مطرح می‌شدند، اما در واقع در بسیاری موارد اهدافی پشت پرده نیز در میان بود. برای نمونه، در دوران تصدی مسعود میرکاظمی، تحرکاتی انجام شد که بیشتر رنگ و بوی سیاسی داشتند و در یک بازه کوتاه، حدود ۲۵ مدیر ارشد کنار گذاشته شدند و بیش از ۱۳ هزار نیروی متخصص از بدنه وزارت نفت حذف شدند. بسیاری این اقدام را تلاشی برای «شخم زدن» ساختار مدیریتی نفت کشور و نه اصلاح واقعی آن می‌دانستند.

دلایل اصلی پیشرفت نکردن و چندانگی در سیاست‌های حوزه انرژی و گاهی مقصر جلوه دادن نهاد و یا سازمان‌های متولی نفت و برق در تأمین انرژی پایدار چیست و چرا صنعت انرژی همواره در معرض نابسامانی در دوره‌های مختلف در قالب و شکل‌های مختلف بوده است؟

در مقطعی، نقش نهاد‌های زیربنایی از جمله سازمان‌های امنیتی و نظارتی، در تصمیم‌گیری‌های کلان انرژی پررنگ‌تر

در برخی مقاطع، پیشنهادهایی برای ادغام وزارتخانه‌های نفت و نیرو با هدف انسجام مدیریتی و کاهش هزینه‌ها مطرح شد، اما این ایده‌ها بیش از آن‌که فنی باشند، رنگ و بوی سیاسی داشتند

شده، برخی از این مداخلات با توجه‌هایی نظیر تأمین امنیت انرژی و مقابله با تخلفات اجرایی صورت گرفت، اما به گفته برخی کارشناسان، این تمرکز تصمیم‌گیری باعث دور شدن از منطق تخصصی و فنی در مدیریت صنایع راهبردی شد. با تغییراتی که در صنعت برق با پیشرفت تولید برق از کارخانجات کوچک و شکل‌گیری شرکت توانیر شد، در برخی مقاطع، پیشنهادهایی برای ادغام وزارتخانه‌های نفت و نیرو با هدف انسجام مدیریتی و کاهش هزینه‌ها مطرح شد، اما این ایده‌ها بیش از آن‌که فنی باشند، رنگ‌وبوی سیاسی داشتند.

در برخی از دوره‌های ریاست جمهوری‌س‌الهای نه چندان دور حتی، رئیس‌جمهور مستقیماً به عنوان سرپرست وزارت نفت انتخاب شد و موجی از تغییرات در سطوح مدیریتی به راه افتاد. در ادامه با تشدید تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه صادرات نفت، فضا برای شکل‌گیری شبکه‌های غیررسمی و سودجو باز شد. برخی افراد و گروه‌ها با استفاده از خلأقانونی و عدم شفافیت در فروش نفت، به دور زدن تحریم‌ها پرداختند. هرچند در ظاهر این فعالیت‌ها به نفع کشور معرفی می‌شد، اما در عمل مسیرهای درآمدی نامشخص بود و فساد مالی گسترده‌ای شکل گرفت. در دوران دولت‌های نهم و دهم، تمرکز سیاست‌گذار بر حفظ برق صرفی و جلوگیری از نارضایتی عمومی، باعث شد که صنعت برق قربانی اعمال کاری مدیریتی شود. در دولت سیزدهم، اقدامات وزارت نیرو منجر به تعمیق ناترازی در تولید و مصرف برق شد، به‌گونه‌ای که حتی حضور نیروهای متخصص نیز قادر به جبران آن نبود. طی سال‌های اخیر، با افزایش فشارهای خارجی و سوءمدیریت داخلی، بسیاری از مدیران کارآمد از وزارتخانه‌های نفت و نیرو کنار گذاشته شدند.

عدم برنامه‌ریزی برای تربیت نیروی انسانی جدید و همچنین مهاجرت نخبگان، این دو وزارتخانه را با کمبود جدی نیروی متخصص مواجه کرد. در نتیجه، کشور با بحران ناترازی انرژی در سه سطح برق، گاز و فرآورده‌های نفتی روبه‌رو شد.

دلایل تشدید بحران انرژی با وجود منابع غنی انرژی در کشور به

گمان‌ده‌ای ناشی از تحریم‌ها و مشکلات ناشی از آن بوده است. نظر

ارزیابی شمار در این باره چیست؟



شد برای تقویت همین حلقه‌های بسته. در پوشش تحریم، میدان فعالیت اقتصادی به گروه‌هایی واگذار شد که بیشتر از آن‌که اهل تخصص باشند، به رانت و قدرت متصل بودند. خروج نخبگان و کارآفرینان، مهاجرت متخصصانی که امکان کار در خارج کشور را یافتند، و بی‌اعتمادی شدید نسبت به مشارکت مدنی در سیاست‌گذاری انرژی، عملاً نظام انرژی کشور را به حالتی از فروپاشی تدریجی رسانده است. در این شرایط، نقش برخی تصمیمات سیاسی نیز در تشدید ناترازی انکارناپذیر است؛ تصمیماتی که با نگاه کوتاه‌مدت و شعاری، به جای اصلاحات اساسی، تنها به مسکن‌های مقطعی اکتفا کرده‌اند. بازگشت اعتماد به سیاست‌گذاری انرژی، ایجاد بسترهای شفاف برای مشارکت بخش خصوصی، و پایان دادن به انحصارهای قدرت در بازار نفت و گاز، لازمه هر نوع اصلاح پایدار در این حوزه است. در غیر این صورت، با ادامه روند فعلی، ناترازی انرژی نه فقط یک معضل اقتصادی بلکه تهدیدی برای توسعه پایدار ایران خواهد بود. در این باره با محمود خاقانی، نماینده ادوار مجلس، مدیر کل سابق وزارت نفت و تحلیلگر حوزه انرژی گفت و گو کرده ایم کادر ذیل مشاهده می‌کنید.

در سال‌های گذشته و به ویژه ناشی از اعمال تحریم‌های گوناگون، برخی چهره‌ها که به عنوان «کاسبان تحریم» شناخته می‌شوند، از این فضا بهره‌برداری کرده و حتی با بازیگران خارجی وارد مذاکره مستقیم شدند. این افراد، وعده‌هایی به خارجی‌ها دادند که با داور امتیازاتی است که پیش از انقلاب به کشورهای غربی داده می‌شد. در عمل، آنچه رخ داد بازتولید منافع پیکانگان در قالبی غیررسمی و فسادآلود بود. در حقیقت در سال‌های که گذشته است، به‌ویژه با تشدید تحریم‌های نفتی، مشکلات متعددی در زمینه صادرات نفت و مدیریت درآمدهای آن به‌وجود آمد. همین فضا باعث شد تا فرصت برای شکل‌گیری و قدرت‌گیری گروه‌های سودجو و دلال‌هایی که در صنعت نفت و انرژی حضور داشتند، فراهم شود. این افراد با دور زدن تحریم‌ها عملاً وارد چرخه صادرات نفت شدند و از همان زمان فساد به‌طور جدی وارد این صنعت شد. در بسیاری از موارد هم مشخص نبود درآمدهای حاصل از این صادرات دقیقاً کجا و چگونه هزینه می‌شود. در دولت‌های نهم و دهم، آقای احمدی‌نژاد با اینکه متوجه ناترازی بود اما نتوانست در این زمینه اقدامی جدی کند. به دلایل مختلف اقدامی در جهت اصلاحات بنیادی در وزارت نیرو انجام نداد، چون می‌دانست ممکن است با قطعی‌های گسترده برق روبه‌رو شود. اقدامات انجام شده در دولت سیزدهم در نهایت نیز به بحران ناترازی برق انجامید، این اقدامات به دلیل عدم وجود زیرساخت مناسب، فقدان نیروهای کارآمد و کاهش منابع مالی کافی، نه تنها نتوانستند مشکلی را حل کنند، بلکه ناترازی انرژی را تشدید کردند. از طرفی ورود مافیا به صنعت نفت و برق نیز تشدید شد و این گروه‌ها توانستند نفوذ زیادی پیدا کنند. در برخی موارد، حتی خارج از چارچوب رسمی دولت، مستقیماً با کشورهای خارجی وارد مذاکره می‌شدند و امتیازاتی را واگذار می‌کردند که عملاً به ضرر منافع ملی بود؛ درست مانند دوران پیش از انقلاب که برخی امتیازات اقتصادی به کشورهای غربی داده می‌شد. این گروه‌ها به اصطلاح کاسبان تحریم هستند که همچنان در بدنه صنعت انرژی حضور دارند و منافع آن را به خطر می‌اندازند.

آیا به اعتقاد شما، خصوصی‌سازی و بهره‌گیری از توانمندی‌های بخش خصوصی تا کنون در رفع ناترازی‌های موجود به شکل مناسب انجام شده است؟

یکی از دلایل اصلی مشکلات امروز، خصوصی‌سازی غلط و ناجبای این صنایع بود. در حقیقت تلاش‌بخش خصوصی واقعی در کشور در این حوزه وجود ندارد و مجال ورود پیدا نکرده است.

اقتصاد

در عمل نه تنها خصوصی‌سازی به بهبود بهره‌وری منجر نشد، بلکه پای دلال‌ها و افراد فاقد صلاحیت را به این حوزه‌ها باز کرد، از این رو اکنون زمان آن رسیده که در مسیر بازگشت به ساختار ملی‌شده و کارآمد حرکت کنیم و این صنایع را با نظارت دقیق از حضور و وجود افراد حقیقی و حقوقی ناکارآمد و ناپاک دور کنیم. در حال حاضر بخش خصوصی واقعی و کارآمدی در صنعت انرژی نداریم. مادر سال‌های گذشته، با ایجاد محدودیت‌های زیاد برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، عملاً بسیاری از نخبگان و سرمایه‌گذاران از حضور در ایران منصرف شدند. به عنوان مثال، فردی که بعدها شرکت موفق‌ی مانند «اوبر» را در آمریکا راه‌اندازی کرد، زمانی پیشنهاد حضور در ایران را داده بود اما به دلیل سخت‌گیری‌های بی‌مورد رد شد. قوانینی که فرزندان افراد با تابعیت مضاعف را از فعالیت اقتصادی در ایران منع می‌کند، نه تنها منطقی نیست بلکه باعث فراری دادن استعدادها و سرمایه‌های انسانی و اقتصادی از کشور شده است که مصداق عینی آن حذف جواد ظریف است. اگر می‌خواهیم این بحران‌ها رایشت سر بگذاریم، باید بازنگری جدی در سیاست‌گذاری‌های حوزه انرژی انجام دهیم، با فساد برخورد کنیم و فضا را برای ورود نیروهای متخصص و سرمایه‌گذاران سالم داخلی و خارجی فراهم کنیم.

به اعتقاد شما بحران‌های موجود در بخش انرژی اعم از نفت، گاز، برق و... در کشور به جز تغییرات اقلیمی به چه دلیل تشدید شده‌اند و راه‌برون رفت از آن چیست؟

خصوصی‌سازی بدون نظارت دقیق و فقدان زیرساخت‌های مناسب برای

فعالیت شفاف بخش خصوصی باعث شد

فضا برای رشد گروه‌های رانتی و سودجو فراهم شود

مشکلات جدی در صنعت انرژی کشور، به‌ویژه در حوزه‌های نفت، گاز، برق، در سال‌های اخیر بروز کرده که تا حد زیادی ناشی از سیاست‌های نادرست خصوصی‌سازی و واگذاری بی‌ضابطه بوده است. این روند باعث شد پای دلالان و گروه‌های غیرتخصصی به این صنایع باز شود و منافع ملی کشور قربانی منافع شخصی شود. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد وقت آن رسیده که با بازیبینی این روندها، اداره صنعت انرژی کشور به افراد متخصص و دلسوز سپرده شود. خصوصی‌سازی بدون نظارت دقیق و فقدان زیرساخت‌های مناسب برای فعالیت شفاف بخش خصوصی باعث شد فضا برای رشد گروه‌های رانتی و سودجو فراهم شود. در حالی که قبل از انقلاب و حتی در سال‌های اولیه پس از انقلاب، صنعت برق و دیگر صنایع مهم کشور مسیر توسعه سالم‌تری را طی می‌کردند. اما اکنون با انحصاری شدن برخی حوزه‌ها در دست افراد خاص و وابسته به قدرت، هم ظرفیت‌های داخلی را از بین برده‌ایم و هم فرصت‌های سرمایه‌گذاری واقعی را از کشور دور کرده‌ایم. در همین راستا، بسیاری از ایرانیان متخصص و سرمایه‌گذاران توانمند، به دلیل سخت‌گیری‌های غیرمنطقی یا سیاست‌های دوگانه از فعالیت در کشور محروم شده‌اند. به عنوان نمونه، برخی افراد تنها به دلیل داشتن فرزندان با تابعیت خارجی امکان فعالیت اقتصادی در ایران بازمانده‌اند. در حالی که همان سیاست‌ها شامل بسیاری از مقامات فعلی نمی‌شود. این تناقض در برخورد، باعث فرار سرمایه و نخبگان شده است. در مقابل، برخی کشورهای منطقه مانند امارات و قطر با جذب مدیران توانمند حتی از کشورهای دیگر، توانسته‌اند سهم مناسبی از منابع خود را فعال کنند و پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشند.

اما مانه تنها از ظرفیت ایرانیان متخصص خارج از کشور استفاده در برخورد، باعث فرار سرمایه و نخبگان شده است. در مقابل، برخی کشورهای منطقه مانند امارات و قطر با جذب مدیران توانمند حتی از کشورهای دیگر، توانسته‌اند سهم مناسبی از منابع خود را فعال کنند و پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشند. اما مانه تنها از ظرفیت ایرانیان متخصص خارج از کشور استفاده نمی‌کنیم، بلکه با باز گذاشتن میدان برای الیگارش‌های داخلی، عملاً مسیر توسعه سالم را بسته‌ایم. در کشورهایی مانند ترکیه نیز شاهد بوده‌ایم که چگونه ورود افراد نزدیک به قدرت رئیس‌جمهور به حوزه‌های اقتصادی، به شکل‌گیری مافیا انجامیده است. این در حالی است که امام خمینی (ره) صراحتاً هشدار داده بودند که نظامیان و سیاست‌مداران نباید وارد حوزه‌های اقتصادی شوند، چرا که این امر منجر به فساد و تضاد منافع می‌شود. متأسفانه امروزه این توصیه نادیده گرفته شده و دخالت افراد غیرمتخصص در حوزه‌های حساس، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد کرده است. در نهایت، آنچه امروز مطرح می‌شود، بعضاً به ابزاری برای حذف حاکم کارشناسان مستقل و دلسوز تبدیل شده و به جای وحدت ملی، به نفاق و تضاد منجر می‌شود. اگر می‌خواهیم کشور مسیر درستی را طی کند، باید فضا را برای نخبگان واقعی باز کنیم، سیاست‌های تبعیض‌آمیز را کنار بگذاریم و از ظرفیت‌های داخلی و خارجی به شکل صحیح و شفاف استفاده کنیم.

آگهی موضوع ماده ۴ قانون ۳ ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴/۴۰۳/۱۳ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای هادی نیک منش فرزند احمد در متاعه ابیز پیرست فرزند محمود جواد هر کدام نسبت به سه دانگ متاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۶۸۷/۲۲ مترمربع از پلاک شماره ۵۴۱ فرعی از ۳۲ اصلی واقع در بخش ۴ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی بیزن غفاری فرزند غلامعلی(با توجه به اینکه متاعف مادام العمر با غلامعلی غفاری فرزند ابوالفضل می باشد) محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه، یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

(م الف ۶۵۵۴)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۳ ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴/۴۰۳/۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید محمود بهشتی فرزند احمد در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۹۶ مترمربع از پلاک شماره ۲۰ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در بخش ۴ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای غلام عشقی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه، یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۳ ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴/۴۰۳/۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سجاد ترومیده فرزند منوچهر به شماره شناسنامه ۵۴۳ صادره از استانه اشرفیه در شش‌دانگ یکپاک خانه و محوطه به مساحت ۲۴۵/۴۲ مترمربع به شماره پلاک ۹۱۴ فرعی از ۹۱ اصلی محرز و مجزی شده از پلاک یک فرعی از ۹۳ اصلی واقع در استخر بیجار بخش ۱۴ گیلان خریداری از مالک رسمی آقای محمد تقی ابراهیمی گوهری (راز صاحب نسق) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب به فاصله۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

رئیس ثبت اسناد و املاک –مهراد صفاتی –رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم فاطمه آقاژ اذ دیزجی ضمن ارائه دوبرگ استشهادیه محلی مصدق بشماره یکتای ۱۲۹ و ۱۲۸ و ۱۴۰۴۰۲۱۵۲۷۷۱۰۰۰۱۲۸ و رمز تصدیق ۶۷۱ و ۲۴۱۲۶۵ مورخ ۱۴۰۴/۳/۴ ۱۴۰۴/۳/۴ دفترخانه ۵ تهران مدعی است که سند مالکیت دو دانگ متاع از شش‌دانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی واقع در سمت جنوبغرب طبقه ۴ به مساحت ۱۱۱/۳۶ مترمربع که ۴/۱۹ متر مربع آن بלקنها است قطعه ۲۰ تفکیکی به پلاک ثبتی ۱۶۱۲۷ فرعی از ۷۲ اصلی مفروز و مجزا شده از ۲۰۴۳ فرعی از اصلی مذکور . واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران بانضمام پارکینگ قطعه ۱۹ تفکیکی به مساحت ۱۲ مترمربع و انباری قطعه ۲۱ تفکیکی به مساحت ۵/۰۳ متر مربع به نام فاطمه آقاژ اذ دیزجی فرزند یحیی شماره شناسنامه ۱۸۱۳۹ تاریخ تولد ۱۳۵۷/۰۶/۲۷ صادره از آذر شهر دارای شماره ملی ۱۶۹۸۶۵۱۴۳۰ بعنوان مالک دو دانگ متاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره سندستند مالکیت ۱۵۴۵۵۸ تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵ شهر تهران استن تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۷۵۳۷۶ سری ج سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۵۵۳۹۴ تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ ثبت گردیده است.

به علت اسباب کشی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا پانجاه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود میباشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد . روتوشت به ستاد اجرانی فرمان حضرت امام (ره) (شناسه آگهی : ۱۹۴۲۰۸۸) ۳

۱۱/۷/۲۰ م الف